فایل شماره چهار:

نکته مهمی که است اینه که در آن دوران مشروطه که حوالی سال 1280 است، فقط در ایران این تحولات رخ نمیداده. به طور مثال انقلاب روسیه دقیقا در همون زمان ها داشته رخ میداده و حوادث مهم تری. به طور کلی در اون زمان جهان به گونه ای در حال تغییر بود که کشور ما هم جزوی از ان بود.

در همین زمان که دیگر یکم جریان های انتقادی شروع شده بوده ما چهره های برتری میبینیم که خیلی خوب کار میکنند. مثلا ادیب الممالک فراهانی، میرزاده عشقی، اشرف الدین گیلانی، فرخی یزدی. این ها چهره های هستند که شما باید این چهره ها رو بشناسید و بدونید که چه کسانی داشتن از سواد و جانشون مایه میگذاشتند برای اگاهی مردم.

کسی رو داریم به اسم ایرج میرزا. ما ایرج میرزا رو بد شناختیمو بی ادب، هرزه گو، و بی کفایت و ... . اما این روش درستی نیست. در حقیقت ایرج میرزا داشته انتقاد میکرده و انتخاب زبانش به عهده خودش بوده! که بسیار شدید انتقاد میکرده و مسایل رو مطرح میکرده و با زبان عامیانه و ساده میگفته که به زبان گروه های فرودست جامعه نزدیک تر است. طبقات مختلف جامعه هر کدام زبان خود و بلندگوهای خود را داشتند و در واقع ایرج هم بلندگو یکی ازین طبقات بود.

از اون طرف ما فرخی یزدی را داریم. فرخی جزو افرادی بود که بسیاز اعتراض میکرد و به سیاست قاجار بسیار انتقاد میکرد و در نهایت سر همین قضیه کشته شد ولی شعر هایش و تاثیر شعرهاش باقی ماند.

دیگر عارف قزوینی رو داریم که شخصیت جالبی است در ادبیات ما از این جهت که ایشون ترانه و تصنیف رو به وجود میاورد. عارف قزوینی موسیقی میدانسته و جایگاه خوبی در بین مردم داشته. شعر های وطنی میگوید و هم انتقاد میکند و هم از عشق وطنی میگوید.